خراسان رضوی

صفحه آخر

سه‌شنبه
۲۱ شهریور ۱۳۹۶
۲۱ ذی الحجه ۱۴۳۸
۸ صفحه/شماره ۳۶۶۲

Mashhad	Taybad	Torbatjam	TorbatHeydarieh	Dargaz	Sabzevar	Quchan	Nishapur
مشهد	تایباد	تربت‌جام	تربت‌حیدریه	درگز	سبزوار	قوچان	نیشابور
▲۳۰ ۱۶▼	▲۳۲ ۱۶▼	▲۳۱ ۱۵▼	▲۲۹ ۱۳▼	▲۳۱ ۱۹▼	▲۳۳ ۲۰▼	▲۲۸ ۱۰▼	▲۲۹ ۱۲▼

روزنامه خراسان رضوی:
رتبه یک نشریات استانی

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیرمسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

امام علی (ع)

هر که برای خود احترام قائل باشد، خواهش‌های نفسانی‌اش در نظر او بی‌ارزش می‌شود.
نهج البلاغه (صبحی صالح) ص ۵۵۵، ح ۴۴۹

مناجات

خواجه عبدا... انصاری

الهی!
معنی دعوی صادقانی، فروزنده نفس‌های دوستانی، آرام دل غریبانی
چون در میان جان حاضری از بی‌دلی می‌گویم که کجایی
زندگانی را جانی و آیین زیاد، به خود از خود ترجمانی
به حق تو بر تو که ما را در سایه غرور منشانی و به وصال خود رسانی

خراسان به روایت خراسان

۲۱ شهریور ۱۳۴۷

وحشت مردم از خبر بعضی از روزنامه‌های تهران

۴۹ سال پیش در چنین روزی، روزنامه «خراسان» نوشت: یکی از روزنامه‌های یومیه عصر پایتخت در شماره‌های دهم و سیزدهم شهریور نوشته است که طبس، فردوس و گناباد از زلزله ویران شده است. طبسی‌های مقیم خارج مخصوصا آن‌هایی که در تهران بوده‌اند، به‌وسیله تلگراف و مکالمه تلفنی از اقوام و بستگان خود خواسته‌اند که شرح حال‌شان را اطلاع دهند. عده‌ای هم که بیشتر ناراحت شده بودند، کار خود را رها کرده و برای آگاهی به طبس آمده‌اند و در نتیجه موجبات وحشت عمومی فراهم و مبالغ هنگفتی از این جهت به مردم خسارت وارد شده است. حال آنکه در طبس زلزله روی داده خفیف بوده و بحمدا... خسارت مالی و جانی نداشته است. (توضیح: شهریور سال ۱۳۴۷، دو زلزله بزرگ به شدت ۷/۳ و ۶/۴ ریشتر دشت بیاض و فردوس را لرزاند و به بخشی از منطقه خسارت وارد کرد. اما در شهرستان‌های اطراف، این زلزله با شدت کمتری احساس شد.)

● نیم کیلو طلا در متکا

فاطمه و سرور که دارای سوابقی نیز می‌باشند، چند روز پیش به واسطه آنکه پلیس به آن‌ها مظنون شد، دستگیر و روانه آگاهی شدند و تحت بازجویی قرار گرفتند. این دو نفر در بازجویی منکر هر گونه اتهامی شدند و اظهار داشتند که چند روز است برای زیارت به مشهد آمده‌اند. در تحقیقاتی که به عمل آمد، معلوم شد که آن‌ها دارای دوست دیگری هستند که وی بچه کوچک آن‌ها را نگهداری می‌کند. بلافاصله نسبت به دستگیری وی که محترم نام داشت، اقدام شد و در بازرسی که از محل سکونت آن‌ها واقع در خیابان طبرسی به عمل آمد، اول چیزی که قابل توجه باشد به دست نیامد، لیکن هنگام بازرسی، رختخواب موجود در منزل توجه مامورین را جلب نمود و آن‌ها با دقت بیشتری رختخواب، بالش و متکا را مورد بازرسی قرار دادند. چنین به نظر می‌رسید که لای پرهای متکا اشیای فلزی مخفی شده است. بلافاصله متکا باز شد و از داخل آن تعدادی بند ساعت و النگوی طلا و غیره به وزن نیم کیلو کشف شد و با کشف آن، متهمین مجبور به اقرار شدند. معلوم شد که از مغازه‌ای مجاور بازار رضا واقع در بازار بزرگ، کلیه این اموال سرقت رفته است. طلاآلات مسروقه به صاحبش مسترد و متهمین با پرونده متشکله به دادسرا اعزام و با قرار صادره بازداشت شدند.

● مواظب دست‌های کودک و پیر باشید

با هجوم مسافر و زوار، عده‌ای سارق و جیب‌بر نیز جهت استفاده از درگیری مردم و شلوغی به مشهد آمده‌اند که کودک دبستان تا پیرمرد سالخورده در میان آن‌ها فراوان است. مامورین پلیس آگاهی روز گذشته پسربچه ۱۰ ساله و پیرزن ۸۰ ساله‌ای را به اتهام سرقت و کف‌زنی دستگیر نمودند. پسربچه پتو و مقداری اشیای مختلف سرقت نموده و پیرزن هم قصد سرقت یک توپ پارچه را داشته است. متهمین پس از تحقیقات لازم در آگاهی با پرونده متشکله به دادسرا اعزام گردیدند و تحت تعقیب قانونی قرار گرفتند.

نمای تاریخی

تصاویری از زلزله دشت بیاض در روزنامه خراسان ۴۹ سال پیش

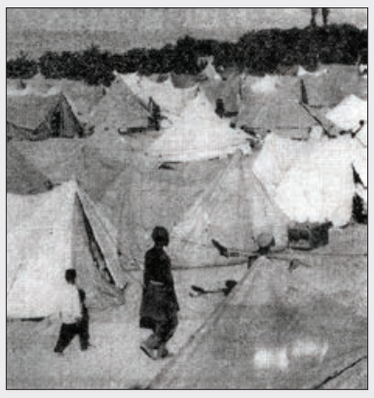

بازار روز

منبع: سازمان صنعت، معدن و تجارت خراسان رضوی

کالا	قیمت(تومان)	واحد
گوجه فرنگی	۱۵۰۰	کیلوگرم
سیب زمینی	۱۵۰۰	کیلوگرم
پیاز زرد	۲۰۰۰	کیلوگرم
عدس کانادایی	۵۲۰۰	کیلوگرم
لوبیا قرمز	۸۲۰۰	کیلوگرم
روغن نباتی ذرت	۲۵۵۰۰	حلب ۴/۵ بدون پالم

کالا	قیمت(تومان)	واحد
برنج پاکستانی درجه یک	۷۱۰۰	کیلوگرم
روغن مایع	۵۳۰۰	بطری ۸۱۰ گرمی
مرغ گرم	۷۰۰۰	کیلوگرم
گوشت گوسفندی (لاشه)	۳۷۵۰۰	کیلوگرم
گوشت گوسفندی (ران بی چربی)	۴۸۰۰۰	کیلوگرم

آدم ها، قصه ها

فاطمه آستانی

گپی با منصور ضابطیان درباره جدایی از تلویزیون تا علاقه‌اش به نویسندگی و سفر

تلویزیون ندیدن برای بعضی‌ها پُز است

«به آرامی شروع به مردن می‌کنی اگر...»
این جمله نصفه نیمه از «پابلو نرودا» را گذاشته اول کتابش، با این امید که شاید تلنگری شود بر مخاطب، اما جایی وسط صحبت‌هایمان اعتراف می‌کند که نبودن همه آن کلماتی که قرار بوده جای این سه نقطه بنشیند، بزرگ‌ترین ترس او در زندگی است، این که سفر نرود، کتابی نخواند، به اصوات زندگی گوش ندهد و در کنجی به دردِ رخوت دچار شود، ذهنش غبار بگیرد و دیگر بودنش تکانه‌ای بر این عالم نباشد.
حالا ۱۸ سالی می‌گذرد از آن روزی که «منصور ضابطیان» از لابه‌لای صفحات مجلات جوان‌پسند بیرون آمد و به تلویزیون قدم گذاشت. او آن روزها یک ژورنالیست خوش فکر بود اما کمتر از دو دهه بعد، مجری گری، برنامه‌سازی، نویسندگی کتاب و جهانگردی به کارنامه کاری‌اش ضمیمه شد. از این حیث، او یکی از هنرمندان پُرکار و پُرشور ایرانی است.
در سفر کوتاهی که اخیرا به مشهد داشت، مجال یک گفت‌وگوی کوتاه دست داد. گفت‌وگویی از انتخاب‌های دیروز آقای نویسنده تا تصمیم‌هایی برای فردا:

● تلویزیون بازی آقای مجری در کودکی

«در کودکی رویایم این بود که در جایگاه الانم باشم. من الان دارم در رویای کودکی‌ام زندگی می‌کنم...» این را ضابطیان گفته است... در یکی از مصاحبه‌هایش... گویا روزگاری دوست داشته مجری باشد، پس می‌پرسم: «چه چیزی در آن سن و سال شما را مشتاق حضور در تلویزیون می‌کرد؟»، پاسخ می‌دهد: راستش را بخواهید، این فضای کلی تلویزیون بود که دوستش داشتم. مثلا نمی‌توانم بگویم اجرای فلانی مرا جذب این فضا کرد. برایم کلیت جریان جذاب بود. فکر نمی‌کردم زندگی این فرصت را نصیبم کند. تجلی علاقه‌ام حتی در بازی‌های کودکانه آن روزها نیز نمود داشت. «تلویزیون‌بازی» می‌کردیم؛ من مجری بودم و دوستانم به تماشایم می‌نشستند. از این زاویه، اجرا برایم دوست داشتنی اما دست نیافتنی به نظر می‌رسید.»

● مردم مرا می‌بینند و می‌پرسند چرا دیگر در تلویزیون نیستید؟

اما هشت ماهی است که او از همین تلویزیون که آن را از کودکی دوست داشته، دور شده است؛ کنجکاویم بدانیم دلش برای برنامه‌سازی تنگ نشده است؟ «وقتی مدتی از خانه‌تان دور باشید؛ مگر می‌شود که دلتنگش نشوید؟ وقتی مردم مرا می‌بینند و می‌پرسند که چرا دیگر در آن فضا نیستم، دلم می‌گیرد و حسرت می‌خورم اما به هر حال دست من نیست. خیلی‌ها فکر می‌کنند که من خودخواسته برنامه را قطع کردم اما این طور نیست.» او تمایل ندارد بیش از این از دلایلش بگوید پس سربسته بیان می‌کند: اجازه بدهید بیش از این توضیح ندهم، چون ممکن است از سر دلتنگی حرف‌هایی بزنم که بعضی‌ها فکر کنند، بدگویی است اما امیدوار و مطمئنم که شرایط بهتر خواهد شد، تجربه‌های هنری چه در ایران و چه در هر نقطه دیگر از دنیا نشان داده که اثر هنری خوب به راهش ادامه می‌دهد.

● هنوز هم می‌گویم، تلویزیون ندیدن برای بعضی‌ها پُز است

حرف را می‌بریم سمت نگاه او به تلویزیون. ضابطیان چند سال پیش در مصاحبه‌ای گفته بود که «برخی از باب پُز می‌گویند که تلویزیون نمی‌بینند»، او در آن برهه از برنامه‌سازی در تلویزیون حمایت کرده بود اما ابتدای امسال و در گفت‌وگویی با روزنامه «شرق»، بر ریزش آمار مخاطبان این بخش به دلیل کیفیت پایین بعضی برنامه‌ها صحه گذاشته بود.
این تغییر نگاه برای هنرمندی که بعضی از پُرمخاطب‌ترین برنامه‌های سیما را در کارنامه دارد، نکته قابل تاملی است. می‌خواهیم بدانیم حالا اوضاع از نظر او چگونه است؟
در جواب می‌گوید: هنوز هم می‌گویم که تلویزیون ندیدن برای بعضی‌ها پُز است اما بر این نکته هم تاکید دارم که تعداد مخاطبان در این سال‌ها ریزش داشته است. البته در همین شرایط هم برنامه‌های خوبی داریم که متاسفانه دیده یا معرفی نمی‌شوند. یک دلیل آن نیز همین اعتمادی است که از آن صحبت کردیم. قسمت دیگر آن هم نوعی «پُز» دادن است و این مولفه‌ها، همدیگر را به نوعی تکمیل کرده‌اند.

● دوران حکمرانی اسپانسرها

او سهم تقصیری را هم برای اسپانسرها و جیب خالی صدا و سیما قائل است و می‌گوید: اکنون در دوران حکمرانی اسپانسرها به سر می‌بریم. سراغ هر شبکه‌ای می‌روید با برنامه‌ای روبه‌رو می‌شوید که سازندگانش مصرانه تلاش دارند مخاطب را جذب کنند و مدام به او می‌گویند که؛ این را بخر، فلان شماره را بگیر و... خلاصه تلویزیونی که روزگاری جای غول‌های برنامه‌سازی و چهره‌های برجسته هنری بود، حالا به فضایی تبدیل شده که به قول شما در آن قابلمه عرضه می‌کنند. اگر یک شبکه خصوصی دست به این کار می‌زد، حرفی نبود اما رسانه ملی جای این کارها نیست. البته خوشبختانه مدیر رسانه ملی به تازگی در مراسم اختتامیه جشنواره تولیدات استانی قول داد شرایط موجود را بهبود بخشد و تاکید کرد که تلویزیون جای فرهنگ است.

● مخاطبان شبکه‌های مجازی، خالص هستند

ضابطیان گوشه چشمی هم دارد به فعالیت در فضای مجازی و تجربه‌ای که او و محمد صوفی، با برنامه «وقت خواب» در این عرصه کسب کردند؛ «راستش را بخواهید، جنس مخاطبان شبکه‌ها و فضای مجازی متفاوت است. مثلا مخاطب صفحه اینستاگرام یا تلگرام من، یک مخاطب خالص است. او پیوستن به یک صفحه، بودن در آن فضا و دیدن پست‌ها را آگاهانه انتخاب کرده است اما درباره مخاطب تلویزیون الزاما چنین نیست، چون ممکن است برای مثال فردی در حال عوض کردن شبکه‌های تلویزیون به برنامه من رسیده و آن را تماشا کرده باشد. قاعدتا در نگاه کمی، شمار مخاطبان این دو بخش شاید قابل قیاس نباشد اما به لحاظ کیفی در فضای مجازی می‌توان به مخاطبان خالص‌تری رسید. از طرفی من مطمئنم ظرف سه، چهار سال آینده زیرساخت‌های این بخش آن قدر پیشرفت خواهد کرد که با گوشی موبایل می‌توان به همه نیازها لااقل در بخش فرهنگی پاسخ گفت.»
او در عین حال «وقت خواب» را یک اتفاق ارزشمند می‌داند که به زعم او هنوز تجربه‌اش برای جامعه زود بود؛ «این پروژه با همه زیرساخت‌هایش برای تهیه کننده آن گران تمام می‌شد و یکی از دلایل ادامه نیافتن آن در فصول بعدی همین بود. جامعه ما هنوز عادت نکرده برای بخش فرهنگی پولی پرداخت کند. خیلی‌ها شاید ترجیح می‌دادند با آن حجم اینترنتی که صرف دیدن این برنامه می‌کنند، سری به اینستاگرام و... بزنند.»

● به صرف چای نعناع در مراکش

حرف را می‌کشانیم به فضای نویسندگی «منصور ضابطیان» با این سوال که؛ «رفتن به سمت و سوی سفرنامه‌نویسی آیا یک اتفاق عامدانه و از پیش برنامه‌ریزی شده بود؟»
در جواب می‌گوید: من نویسندگی را از سال‌ها پیش و از درون مطبوعات آغاز کردم، البته در کودکی هم این کار، یکی از سرگرمی‌هایم بود اما در مجموع به موضوع سفرنامه‌نویسی فکر نمی‌کردم. بعدها با شک و تردید تصمیم گرفتم تا گزارش‌های سفرهایم را به کتابی تبدیل کنم که نتیجه‌اش شد، «مارک و پلو». استقبال خوب مخاطبان از این اثر که تجارب شخصی من در سفرهایم بود، مرا سر ذوق آورد و باعث شد تا کتاب‌های بعدی‌ام را در همین حوزه بنویسم.
او از نگارش کتاب جدیدش با عنوان «چای نعناع» خبر می‌دهد که این بار درباره سفری پُرماجرا به کشور مراکش است. ضابطیان یادی می‌کند از مصاحبه‌های خواندنی‌اش که روزگاری برای درج در مجلات، آن‌ها را تهیه می‌کرده است و می‌گوید برای جمع‌آوری و چاپ آن‌ها نیز برنامه‌هایی دارد. ضابطیان از میان حرفه‌هایی که به آن‌ها مشغول بوده، بیش از همه نویسندگی را دوست دارد چون به اذعان خودش، دست به قلم بردن حال او را خوب می‌کند.
می‌پرسیم: «تا به حال شده به تجربه یک حرفه جدید دیگر فکر کنید، مثلا بازیگری یا خوانندگی؟»
- «این‌ها شغل‌های وسوسه‌انگیزی هستند. راستش را بخواهید، پیشنهادهایی نیز برای حضور در عرصه بازیگری داشتم اما معتقدم که نمی‌توانم بازیگر یا خواننده درجه یکی باشم، پس برای پرهیز از میانمایگی، ترجیح می‌دهم در همان حرفه‌ای باقی بمانم که در آن، مهارت و درخشش کافی دارم. از این منظر، نویسندگی و سفرنامه‌نویسی برایم عرصه‌های جذاب‌تری هستند.»

● کسانی که محدودیت خلق می‌کنند؛ سرمایه‌های این سرزمین را هدر می‌دهند

حرفمان جایی می‌رسد به «حسرت‌ها»، ضابطیان از آن اتفاقات و شرایطی که آه از نهادش بلند می‌کنند، چنین می‌گوید: بزرگ‌ترین حسرت من همین زمان و فرصتی است که آسان از دست می‌رود. درست است، خودمان را دلداری می‌دهیم که شرایط یکی دو سال دیگر درست می‌شود و به فضای قبلی برمی‌گردیم اما به هر حال این عمر ماست که آسان از دست می‌رود. با خودم فکر می‌کنم که چرا آدم‌ها قدر زمان را نمی‌دانند. آن کسانی که محدودیت خلق می‌کنند؛ در واقع سرمایه‌های این سرزمین را هدر می‌دهند. با این حال ما بچه‌های این رسانه‌ایم و اهل این سرزمین هستیم و می‌دانیم که جایمان نهایتا در همین جاست.
«دوست دارید در ذهن مردم چطور ماندگار شوید؟» این را که می‌پرسیم، در پاسخمان با کمی تامل می‌گوید: دلم می‌خواهد تا آن نفس آخر، تاثیرگذار باشم یعنی بتوانم کار کنم و حرف بزنم و بنویسم و نتیجه همه این‌ها را در اختیار مردم بگذارم. این تاثیرگذاری به نظرم مهم‌ترین نعمتی است که آدمی می‌تواند داشته باشد.

● یک قدم به جلو، دو گام به عقب

حرف آخرمان از حال و احوال فرهنگ در جامعه است. اگرچه به آن چه پیش روست، خوش بین است اما با صراحت می‌گوید: «فضای فرهنگی کشور به گونه‌ای است که گاهی یک قدم جلو می‌رویم و چند صباح بعد اتفاقاتی می‌افتد که دو قدم به عقب بازمی‌گردیم. اما اگر بخواهیم منصفانه نگاه کنیم، خیلی چیزها تغییر کرده و بهتر شده است. با این همه، هنوز اتفاقاتی هستند که دل آدمی را به درد می‌آورند و هنرمندان و اهالی فرهنگ را غصه‌دار می‌کنند. مهم‌ترین آن مغفول ماندن ظرفیت‌هاست. با وجود همه این اتفاقات، من به فردا خوش بینم. باور دارم تاریخ همیشه رو به جلو حرکت می‌کند. اگر در یک مقطع زمانی روند توسعه فرهنگی در کشوری با دشواری مواجه شود، تجربه نشان داده که با گذر زمان دوباره مجالی فراهم می‌آید تا همان بسترهای فرهنگی از زیر خاکستر بیرون بیایند و شکل نویی پیدا کنند.»

یادداشت

صدر الدین نیاورانی

رئیس انجمن ارگانیک و عضو هیئت نمایندگان اتاق ایران

توسعه پایدار کشاورزی مستلزم فراهم کردن زیرساخت‌ها

بخش کشاورزی علاوه بر این که از اساسی‌ترین محورهای توسعه در کشورهاست؛ نیروی محرکه رشد اقتصادی در توسعه نیز شناخته می‌شود. از ویژگی‌های بخش کشاورزی می‌توان به نقش کشاورزی در امنیت ملی، قابلیت ممتاز آن در حوزه اشتغال زایی، تحقق توسعه فقرزدایی و عدالت محوری، زود بازده بودن سرمایه‌گذاری و بالا بودن بهره‌وری سرمایه در این عرصه، قابلیت پیوند بخش کشاورزی و منابع طبیعی با بخش خدمات و صنعت و... اشاره کرد. به بیان دیگر توسعه بخش کشاورزی، پیش شرط توسعه اقتصادی کشور است و تا زمانی که موانع توسعه در این بخش برطرف نشود، سایر بخش‌ها نیز به شکوفایی و رشد و توسعه دست نخواهند یافت. تجربه مثبت و منفی تمامی کشورهای پیشرفته و در حال توسعه جهان نیز این نظر را تایید می‌کند. اهمیت بخش کشاورزی در کشور ما همچون بسیاری دیگر از کشورها بر هیچ کس پوشیده نیست و این حوزه نقش آشکاری در اقتصاد ما بازی می‌کند. در واقع بخش کشاورزی در ایران مزیت‌ها و مشخصه‌های مهمی همچون تنوع آب و هوایی، دمای مناسب، تنوع زمین، نیروی کار ارزان، بستر فعالیت اقتصادی برای نزدیک به نیمی از جمعیت کشور، وابستگی کمتر به فناوری پیچیده و امکانات گسترش تولید دارد که تمامی این موارد، دست یابی به توسعه پایدار را در این حوزه آسان‌تر می‌کند. هم اکنون آمار ارزش افزوده بخش کشاورزی و نقش آن در شکوفایی اقتصاد ملی، به گونه‌ای است که زمینه پیوند این بخش با سایر بخش‌ها به خوبی فراهم نبوده و این امر منجر به ارزش گذاری کمتر از حد واقعی بخش کشاورزی و منابع طبیعی شده است. در این میان، استان خراسان رضوی نیز یکی از خطه‌های زرخیز از منظر کشاورزی در کشورمان به شمار می‌آید، چنان که جایگاه بسیار مهمی در عرصه تولیدات کشاورزی دارد. علاوه بر این، خراسان رضوی به دلیل همجواری با کشورهایی همچون افغانستان، پاکستان و کشورهای آسیای میانه به مثابه یکی از قطب‌های صادراتی کشور شناخته می‌شود که لازم است در آینده بر مبادی خروجی، مرزی و گمرکی آن تمرکز و توجه بیشتری صورت گیرد. با این حال نباید از یاد برد که این بخش چه در حوزه تولید و چه در حوزه صادرات با مشکلات و محدودیت‌های بسیاری نیز روبه روست که همانند مانعی در راه توسعه پایدار کشاورزی عمل می‌کند و تا زمانی که موانع توسعه در این بخش برطرف نشود، سایر بخش‌ها نیز به شکوفایی، رشد و توسعه دست نخواهند یافت. از آن جا که رشد و توسعه پایدار کشاورزی، یکی از شاخص‌ترین و مهم‌ترین هدف‌های کشورمان است، زمانی می‌توانیم به توسعه پایدار در عرصه کشاورزی دست یابیم که دولت برنامه‌های مدونی را برای رسیدن به صادرات در دستور کار خود قرار دهد و برای صنایع تبدیلی چاره اندیشی کند، چرا که تقویت صادرات در حوزه کشاورزی از یک سو می‌تواند کشور را در تولید برخی کالاهای راهبردی به خودکفایی برساند و از سوی دیگر دریافت‌های ارزی حاصل از صدور این محصولات را به طور قابل توجهی افزایش دهد. اما متاسفانه در حوزه صادرات فرصت سوزی‌های بسیاری صورت گرفته است. به طور مثال؛ زمانی که بازار روسیه به روی ایران باز بود از این فرصت به خوبی استفاده نشد. علاوه بر این، برخی از مسئولان توپ اهمال کاری‌های خود را به زمین صادرکنندگان می‌اندازند و چنین نشان می‌دهند که به دلیل نبود صادرکنندگان بزرگ در حوزه صادرات، توفیق چندانی در این عرصه حاصل نشده است. حال آن که شواهد نشان می‌دهد، صادرکنندگان بزرگی در سال‌های اوج شکوفایی صادرات کشور، در این بازارها حضور و نقش آفرینی داشته‌اند. حال با توجه به مطالب مطرح شده، چند سوال در حوزه عملکرد دولت پیش می‌آید؛ نخست آن که در زمینه حمل و نقل زمینی و محصولات کشاورزی دولت تاکنون چه اقداماتی انجام داده است؟ وجود کامیون‌ها و کانتینرهای مجهز به سیستم گرمایشی و سرمایشی برای صادرات بهتر محصولات این بخش ضروری است اما از سوی مسئولان مربوط چه تدارک و پیش بینی برای ورود آن‌ها به چرخه فعالیت صورت گرفته است؟ برای توسعه حمل و نقل هوایی محصولات کشاورزی نیز با توجه به امکانات و قیمت موجود، چه تمهیداتی با هدف تسهیل امور پیش بینی شده است؟ پاسخ به هر یک از سوالات فوق، به طرح پاره‌ای انتقادها می‌انجامد، چرا که دولت در تامین زیرساخت‌های حوزه کشاورزی بسیار ضعیف عمل کرده است بنابراین مسئولان نباید با سرپوش گذاشتن بر مسائل و مشکلات، صادرکنندگان را محکوم کنند.
باید اذعان داشت با این که دولت یازدهم تمامی سعی و تلاش خود را برای توسعه صادرات با به نتیجه رساندن برجام و توسعه تعاملات بین المللی به کار گرفته اما هنوز در حوزه تجارت و مراودات پولی و بانکی مشکلات زیادی به قوت خود باقی است. از این رو از دولت دوازدهم انتظار داریم در وهله نخست، راه‌های مبادلات و تعاملات بانکی بین المللی را هموار سازد تا یکی از گره‌های حوزه صادرات در این بخش باز شود. از طرفی بخش کشاورزی سنتی‌ترین حوزه اقتصاد کشور است و در سخت‌ترین شرایط اقتصادی توانسته به دلیل اتکا به سرمایه تاریخی و نیروی انسانی کم‌توقع خود و بهره‌گیری سخاوتمندانه از منابع آب و خاک، بهترین تاب‌آوری را داشته باشد اما متأسفانه با وجود نقش تعیین کننده آن، بخش کشاورزی تاکنون مورد بی‌مهری برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران توسعه ملی قرار گرفته است. توجه به این بخش از بُعد سرمایه‌گذاری، مدیریت و فناوری می‌تواند بیشترین نتیجه را برای رشد و توسعه اقتصاد ملی در پی داشته باشد. اما مقوله مهم دیگر، ورود سرمایه و سرمایه‌گذار خارجی است که مزایای فراوانی برای توسعه بخش کشاورزی ایران دارند.

#مشهد #Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

رضا کیانیان به دعوت «سروش صحت» مهمان برنامه کتاب‌باز بود. او آن جا از خاطرات کودکی‌اش گفت: سوم دبیرستان در گروه تئاتر برادرم حضور داشتم و برادرم آن زمان ما را عادت داده بود که به جای سخن گفتن، بنویسیم تا عادت کنیم حرف‌هایمان مستدل باشد. شما هنگام سخن گفتن می‌توانید دایم سخنان و حرف‌های خود را تغییر دهید و بگویید که منظورتان چه بوده است اما در نوشتن نمی‌توانید این کار را انجام دهید و از همان اول مجبورید مستدل سخنانتان را مکتوب کنید. وی اضافه کرد: از طرف دیگر افکاری در ذهن خود دارید و فکر می‌کنید چه شعر و ایده خوبی است اما وقتی آن‌ها را می‌نویسید، متوجه می‌شوید خیلی هم جالب نبوده است. این بازیگر سینمای ایران درباره این که چگونه علاقه‌مند به کتاب شده است، توضیح داد: دهه ۴۰ جوروشن فکری به گونه‌ای بود که هر کس کتاب می‌خواند، تحویلش می‌گرفتند، مثل وقتی که کسی عینک می‌زند و تحویلش می‌گیرند. خود من آن زمان مشکل بینایی نداشتم اما دوست داشتم عینک بزنم و به پزشک مراجعه کردم. دکتر بعد از معاینه از من پرسید که دوست دارم عینک بزنم و بعدها هم چشمانم به عینک احتیاج پیدا کرد. وی در این برنامه با اشاره به علاقه فرزندش به کتاب نیز گفت: وقتی پسرم کوچک بود من و همسرم کتاب‌های شعر و قصه زیادی برایش می‌خواندیم. من همچنین تلاش می‌کردم تخیل پسرم را گسترش دهم، به طور مثال او را به پارک می‌بردم و می‌خواستم راه‌های متفاوتی را برای بازی امتحان کند. آن زمان رفتن به پارک خیلی مهم بود چون بعد از جنگ بود و کشور هنوز در سکوت به سر می‌برد و مردم افسرده بودند و این که به پارک بروید و چند نفر یک جا جمع شوند، یک اتفاق بود. من آن زمان به فرزندم گفتم تا حالا فکر کردی می‌شود از طرف دیگر سرسره هم بالا رفت و سعی می‌کردم هر قاعده‌ای را به شکل ضد قاعده هم عمل کند.

میرطاهر مظلومی، بازیگر و صداپیشه، این عکس را از جوار حرم رضوی به اشتراک گذاشت و زیر آن نوشت: «دستم به روی سینه برای ارادت است، این بارگاه قدس امام کرامت است، فرقی نمی‌کند ز کجا می‌دهی سلام، او می‌دهد جواب تو را، اصل نیت است فرقی نمی‌کند کجای حرم روی، حتی نگاه کردن گنبد عبادت است...»